

درس 22

* آیا خداوند از شرارت مردم سدوم و عموره خبر داشت؟
- بله .

* اگر مردم خدا را فراموش کنند، آیا او آنها را فراموش می کند؟
- خیر .

* اگر مردم خدا را فراموش کنند، آیا او گناهانشان را فراموش می کند؟
- خیر .

* چرا خداوند باید هر گناهی را مجازات کند؟
- چون خدا کامل است.
- چون خداوند مردم را کامل آفریده است.
- چون هر گناهی علیه و مقابل خداست.

* چرا خداوند بلافاصله مردم سدوم و گومورو را به خاطر گناهانشان مجازات نکرد؟
- چون خدا می خواست که از گناهان خود توبه کنند.
- چون خدا می خواست نجاتشان بدهد .

* چرا خداوند امروز مردم را به خاطر گناهانشان فوراً مجازات نمی کند؟
- چون خدا از آنها می خواهد که از گناهان خود توبه کنند.

- چون خدا می خواهد آنها را نجات دهد.

* آیا خداوند فقط مردم را تهدید می کند، اما آنها را به خاطر گناهانشان مجازات نمی کند؟

- خیر .

- خداوند همه گناهان را مجازات خواهد کرد.

* وقتی زمان مجازات گناهکاران توسط خداوند فرا می رسد، آیا کسی می تواند جلوی خدا را بگیرد؟

- خیر .

* همانطور که گناه لوط را به سدوم کشاند، گناه با همه مردم چه می کند؟

- گناه انسان را به شرارت نزدیکتر می کند.

* ما چگونه شبیه مردم سدوم و عموره هستیم؟

- ما دروغ های زیادی گفته ایم.

- ما افراد دیگر را به دروغ متهم کرده ایم.

- ما همسایه هایمان را دشنام داده ایم .

- ما آنچه را که متعلق به دیگران است دزدیده ایم.

- ما با همسران مردان دیگر خوابیده ایم.

- ما دیگران را کشته ایم.

* چرا خداوند لوط را نجات داد؟

- زیرا لوط می دانست که در برابر خدا گناه کرده است.
- زیرا لوط می دانست که گناه او مرگ ابدی می آورد.
- زیرا لوط می دانست که خدا به تنهایی قادر است او را نجات دهد.
- زیرا لوط معتقد بود که خداوند منجی را برای نجات او خواهد فرستاد.

* چرا خدا همسر لوط را به ستون نمک تبدیل کرد؟

- زیرا همسر لوط از خدا نافرمانی کرد و به عقب نگاه کرد.

* چرا همسر لوط به گذشته نگاه کرد؟

- چون گناهش را دوست داشت.
- چون نمی خواست گناهش را ترک کند.

خداوند قول داده بود که به ابراهیم و سارا پسری بدهد.

- ابراهیم 100 ساله بود و سارا 90 ساله بود، اما آنها هنوز فرزندی نداشتند.

* آیا خداوند وعده خود مبنی بر دادن پسر به ابراهیم را فراموش کرد؟

- خیر .
- خدا نمی تواند وعده های خود را فراموش کند.
- خداوند همیشه به وعده هایش عمل می کند.

* آیا خدا تصمیم خود را برای دادن پسری به ابراهیم تغییر داد؟

- خیر .

- خداوند نمی تواند نظرش را تغییر دهد.
- خداوند همیشه کاری را که می گوید انجام می دهد.

- ابراهیم 100 ساله و سارا 90 ساله و نازا بود.
- * آیا برای خدا خیلی سخت بود که به ابراهیم و سارا پسری بدهد؟
- خیر .
 - هیچ چیز برای خدا خیلی سخت نیست.
 - خدا هر کاری می تواند انجام دهد .

همانطور که خدا وعده داده بود، به ابراهیم و سارا پسری داد.

بیابید پیدایش 21: 1-3 را بخوانیم :

- 1- و اما خداوند چنانکه گفته بود، به یاری سارا آمد؛ و خداوند آنچه را که وعده داده بود، برای سارا به جا آورد.
- 2- پس سارا باردار شد و برای ابراهیم در پیری او پسری به دنیا آورد، در همان زمان که خدا به او وعده داده بود.
- 3- ابراهیم پسر خود را که سارا برایش زاده بود، اسحاق نامید .

* ابراهیم 100 ساله و سارا 90 ساله و نازا بود . چگونه توانستند پسری داشته باشند؟

- زیرا این خداست که زندگی می دهد .
- چون خدا هر کاری می تواند انجام دهد .

* نام پسری که خداوند به ابراهیم و سارا داد چه بود؟

- اسحاق .

- پس از سالها، اسحاق به یک مرد جوان و قوی تبدیل شد.
- ابراهیم و سارا اسحاق را بسیار دوست داشتند.
- آیا ابراهیم می دانست که خدا قصد دارد نجات دهنده را از نسل اسحاق بیاورد؟
- بله .
- ابراهیم وعده خدا برای آوردن نجات دهنده از نسل اسحاق را به خاطر آورد.

روزی خداوند در مورد اسحاق با ابراهیم صحبت کرد.
بیابید پیدایش 22: 1-2 را بخوانیم :

- 1- مدتی بعد خداوند ابراهیم را آزمایش کرد. به او گفت: «ابراهیم!» ابراهیم پاسخ داد: من اینجا هستم.
- 2- سپس خدا گفت: گفت: پسرت را که یگانه پسر توست و او را دوست می‌داری، یعنی اسحاق را بگیر و به سرزمین موریاء برو، و او را در آنجا بر یکی از کوه‌هایی که به تو خواهم گفت، چون قربانی تمام‌سوز تقدیم کن .

* چرا خداوند به ابراهیم دستور داد اسحاق را قربانی کند؟
- خدا می خواست ابراهیم را امتحان کند.

* چرا خدا می خواست ابراهیم را امتحان کند؟
- خدا می خواست ببیند که آیا ابراهیم خدا را بیشتر از اسحاق دوست دارد .

* چرا خداوند توانست به ابراهیم دستور دهد اسحاق را قربانی کند؟
- چون خدا به ابراهیم زندگی داد.
- چون خدا به اسحاق زندگی داد.
- زیرا خداوند ، خدای همه مردم است.

* آیا همسایه شما به فرزندانان می گوید که چه کار کنند؟
- خیر .
* چرا ؟
- چون همسایه ات ارباب فرزندان نیست.

* آیا همسایه شما تصمیم می گیرد که چگونه مزارع خود را بکارید؟
- خیر .
* چرا ؟
- چون همسایه تو ارباب مزارع تو نیست.

* پروردگار ابراهیم که بود؟
- خداوند.

* خدای همه مردم کیست؟

- خداوند.

- چون خداوند ، خدای همه مردم است، خداوند می تواند مردم را به آنچه می خواهد فرمان دهد.

* وقتی خدا به ابراهیم دستور داد اسحاق را قربانی کند، ابراهیم چه کرد؟

بیابید پیدایش 3:22 را بخوانیم :

3- پس، صبح زود، ابراهیم برخاسته، الاغ خود را زین کرد و دو تن از نوکران خویش را با پسرش اسحاق برگرفته، هیزم برای قربانی تمامسوز شکست و به سوی جایی که خدا به او گفته بود، روانه شد .

- ابراهیم هیزم را برای قربانی برید و اسحاق و دو تن از خدمتکارانش را به مکانی که خدا به او نشان می داد برد.

* ابراهیم چگونه توانست اسحاق را قربانی کند؟

* اگر ابراهیم اسحاق را قربانی می کرد، خداوند چگونه می توانست به وعده های خود عمل می کرد؟

* اگر ابراهیم اسحاق را قربانی می کرد، چگونه خداوند می توانست به ابراهیم فرزندان زیادی بدهد ؟

* اگر ابراهیم اسحاق را قربانی می کرد، چگونه خداوند نجات دهنده را از نسل ابراهیم می فرستاد؟

- خداوند به ابراهیم وعده داد که اسحاق پدر فرزندان بسیاری خواهد بود و نجات دهنده از نسل او خواهد بود.

* آیا خدا نظرش را تغییر داد؟
- خیر .

* آیا خدا تصمیم گرفت وعده هایش را بشکند؟
- خیر .

* آیا ابراهیم فکر کرد که خدا نظرش را تغییر داده است؟
- خیر .

- ابراهیم به خدا و وعده های او ایمان داشت.
- ابراهیم معتقد بود که خداوند به وعده های خود عمل خواهد کرد.
- ابراهیم بر این باور بود که خداوند به وعده خود مبنی بر دادن نسل زیادی به او عمل خواهد کرد.
- ابراهیم معتقد بود که خداوند به وعده خود مبنی بر فرستادن منجی عمل خواهد کرد.

* ابراهیم معتقد بود که اگر اسحاق را قربانی کند، خدا چه خواهد کرد؟

- ابراهیم معتقد بود که اگر اسحاق را قربانی کند، خداوند اسحاق را از مردگان زنده خواهد کرد.
- عقیده ابراهیم با اعتقاد آدم و حوا متفاوت بود.

- در باغ عدن، خداوند به آدم و حوا گفت که اگر از درخت معرفت خیر و شر بخورند، خواهند مرد.
- آدم و حوا به خدا ایمان نداشتند.
- اما ابراهیم به خدا ایمان داشت .

- چون ابراهیم به خدا ایمان داشت، اسحاق و دو تن از بندگانش را به مکانی که خدا به آنها نشان می داد برد.

بیابید پیدایش 22:4-6 را بخوانیم :

4- روز سوم، ابراهیم چشمانش را برافراشت و آنجا را از دور دید.
5- آنگاه به خادمانش گفت: شما همین جا نزد الاغ بمانید تا من با پسر بدان جا برویم، و پرستش کرده، نزد شما باز آییم.
6- ابراهیم هیزم قربانی تمامسوز را برگرفته، بر پسر خویش اسحاق نهاد، و آتش و چاقو را به دست خود گرفت، و هر دو با هم می رفتند.
- در حالی که ابراهیم و اسحاق با هم راه می رفتند، اسحاق از پدرش سوالی پرسید.

بیابید پیدایش 22:6-7 را بخوانیم :

6- همانطور که آن دو با هم پیش رفتند،
7- و اما اسحاق به پدرش ابراهیم گفت: پدر؟ ابراهیم پاسخ داد: بله، پسرم؟ گفت: این از آتش و هیزم، ولی بره قربانی تمامسوز کجاست؟

* سوال اسحاق چه بود؟

- "بره قربانی کجاست؟"

- اسحاق می دانست که پدرش قربانی می کند.

- اسحاق می دانست که آنها آتش و هیزم را حمل می کنند .

- اما اسحاق نفهمید که چرا آنها بره قربانی را با خود نمی برند .

* ابراهیم به اسحاق چه پاسخی داد؟
بیابید پیدایش 8:22 را بخوانیم :

8- ابراهیم پاسخ داد: پسر، خدا بره قربانی را برای ما فراهم خواهد کرد. پس هر دو با هم می‌رفتند.

* پاسخ ابراهیم چه بود؟

- ابراهیم گفت که خدا خودش بره را مهیا می کند .
- ابراهیم معتقد بود که خداوند قربانی خواهد کرد.
- اعتقاد به خدا مهمترین کاری است که می توانیم انجام دهیم.
- فقط گوش دادن به پیام خدا ما را نجات نخواهد داد.
- ما باید پیام خدا را باور کنیم تا نجات پیدا کنیم.

این هم یک تصویر:

- مردی که خیلی مریض بود پیش دکتر رفت.
- دکتر به مرد بیمار نگاه کرد و بیماری او را گفت.
- سپس پزشک دارویی را که برای سالم شدن دوباره نیاز داشت به بیمار داد.
- مرد مریض داروها را گرفت و داروها را در جیبش گذاشت و به خانه برگشت.
- اما مریض هرگز دارو را نخورد .
- مرد مریض فقط به حرف دکتر گوش کرده بود.
- او دارو را نخورد .

* آیا مرد بیمار بهتر می شود؟

- خیر .
- تنها گوش دادن به پیام خدا شما را نجات خواهد داد.
- شما باید مانند ابراهیم پیام خدا را باور کنید.
- اگر فقط به پیام خدا گوش دهید، اما ایمان نیاورید، مانند شیطان هستید.
- اگر فقط به پیام خدا گوش می دهید، اما به آن ایمان ندارید ، پس خدا را دروغگو می خوانید.
- خدا فقط کسانی را نجات می دهد که به او ایمان دارند.
- خدا فقط کسانی را نجات می دهد که به کلام او ایمان دارند.

* کلام خدا کجاست؟
 - در کتاب خدا، کتاب مقدس.

* وقتی ابراهیم و اسحاق به جایی رسیدند که خدا به آنها نشان داد، چه اتفاقی افتاد؟

بیابید پیدایش 22: 9-10 را بخوانیم

9- چون به جایی که خدا به ابراهیم گفته بود رسیدند، او در آنجا مذبحی بنا کرد و هیزم بر آن چید، و پسرش اسحاق را بسته، او را بر مذبح، روی هیزم گذاشت.

10- آنگاه دست دراز کرد و چاقو را گرفت تا پسر خود را ذبح کند.

* ابراهیم چه کرد؟
 - اسحاق را بست و بر قربانگاه گذاشت.

* آیا ابراهیم توانست اسحاق را نجات دهد؟
- خیر .

* چرا ابراهیم نتوانست اسحاق را نجات دهد؟
- چون ابراهیم قبلاً چاقوی خود را برای قربانی کردن اسحاق بلند کرده بود.
- آیا اسحاق توانست خود را نجات دهد؟
- خیر .

* چرا اسحاق نتوانست خود را نجات دهد؟
- چون ابراهیم دست و پای اسحاق را بسته بود.
- اسحاق نتوانست فرار کند.
- وقتی خدا سیل را فرستاد، مردمی که در بیرون کشتی بودند نتوانستند فرار کنند.
- وقتی خدا از آسمان آتش فرستاد، مردم سدوم و گومورو نتوانستند فرار کنند.
- وقتی همسر لوط به شهر سدوم نگاه کرد، نتوانست فرار کند.
- هیچ کس قادر به فرار نیست.

* چه کسی به تنهایی توانست اسحاق را نجات دهد؟
- خداوند.

* آیا افراد دیگر می توانند ما را نجات دهند؟
- خیر .

* آیا می توانیم خودمان را نجات دهیم؟
- خیر .

* تنها کسی که می تواند ما را نجات دهد کیست؟
- خداوند.

- تنها خداوند نوح و خانواده اش را نجات داد.
- خداوند به تنهایی لوط و دو دخترش را نجات داد.

- خداوند به تنهایی قادر است همه مردم را نجات دهد.
- خدا به تنهایی توانست اسحاق را نجات دهد.

* آیا خدا اسحاق را نجات داد؟

بیابید پیدایش 12:11-11 را بخوانیم :

11- اما فرشته خداوند از آسمان او را ندا داد: ابراهیم! ابراهیم!
ابراهیم پاسخ داد: من اینجا هستم.

12- فرشته گفت: دست بر پسر دراز مکن و کاری با او نداشته باش!
اکنون می دانم که از خدا می ترسی، زیرا پسرت، آری یگانه پسرت
را، از من دریغ نداشتی.

* چه کسی با ابراهیم صحبت کرد و اسحاق را نجات داد؟
- خداوند.

- تنها خدا ابراهیم را از کشتن اسحاق باز داشت.

- تنها خدا اسحاق را نجات داد.

- اما اسحاق نجات نخواهد یافت مگر اینکه قربانی دیگری انجام شود.

* آیا ابراهیم قربانی دیگری داشت؟

- خیر .

* آیا اسحاق قربانی دیگری داشت؟

- خیر .

* خدا چه کاری انجام داد ؟

بیابید پیدایش 13:22 را بخوانیم :

13- ابراهیم سر بلند کرد و پشت سرش قوچی را دید که با شاخهایش در بوته‌ای گرفتار شده بود. ابراهیم رفته، قوچ را گرفت و آن را به جای پسرش، چون قربانی تمام‌سوز تقدیم کرد.

- ابراهیم قربانی دیگری نداشت.

- اسحاق قربانی دیگری نداشت.

* چه کسی قربانی کرد تا جای اسحاق را بگیرد؟

- خداوند.

- خداوند به تنهایی قربانی را فراهم کرد.

* قربانی خدا چه بود؟

- یک قوچ .

* قوچ کجا بود؟

- در بوته ای که توسط شاخ هایش گرفتار شده بود .

* چرا قوچ با شاخ هایش در بوته گرفتار شده بود ؟

- چون خدا قوچ رو بسته بود .

* چرا خدا قوچ را توسط شاخ هایش بسته بود ؟

- زیرا خدا فقط یک قربانی کامل را می پذیرد تا جای اسحاق را بگیرد.

- اگر خداوند قوچ را با سر یا پاهایش می بست ، قوچ با تلاش برای نجات خود، خود را مجروح می کرد.

- خدا کامل است.

- خداوند فقط یک قربانی کامل را می پذیرد.

- ابراهیم دست و پای اسحاق را باز کرد و قوچ را که خدا داده بود به قربانگاه بست.

- ابراهیم قوچ را به جای اسحاق قربانی کرد.

- قوچ به جای اسحاق مرد.

- قوچ جانشین اسحاق بود.

* ابراهیم مکانی را که خداوند قوچ را در آنجا فرستاد ، چه نامید؟

بیابید پیدایش 14:22-19 را بخوانیم :

14- س ابراهیم آن مکان را 'خداوند فراهم خواهد کرد' نامید. و تا

امروز نیز گفته می‌شود: «بر کوه خداوند، فراهم خواهد شد».

15- فرشته خداوند بار دوم ابراهیم را از آسمان ندا در داد .

16- و گفت: «خداوند می‌فرماید: به ذات خودم سوگند، از آنجا که این کار را کردی و پسرت را که یگانه پسر توست دریغ نداشتی .

17- بهیقین تو را برکت خواهم داد و نسلت را همچون ستارگان آسمان و مانند شنهای کناره دریا کثیر خواهم ساخت. نسل تو دروازه‌های دشمنانشان را تصرف خواهند کرد، 18- و به واسطه نسل تو همه قومهای زمین برکت خواهند یافت، زیرا به صدای من گوش گرفتی.

19- پس ابراهیم نزد خادمان خود بازگشت، و ایشان برخاسته با هم به بئرشبَع رفتند. و ابراهیم در بئرشبَع ساکن شد.

- ابراهیم به مکانی که خداوند قوچ را در آنجا فرستاد ، : «خداوند فراهم خواهد کرد» نامید .

* چرا ابراهیم آن مکان را "خداوند فراهم خواهد کرد" نامید؟

- ابراهیم معتقد بود همانطور که خداوند قوچ را فرستاد ، خداوند نیز روزی منجی را برای نجات مردم خواهد فرستاد .